

بررسی مفهوم اصل آزادی قراردادی و اهداف دولت ها از مداخله در قراردادها

گلشاد گیلانی گیچه^۱، سلمان علیپور قوشچی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد گروه حقوق، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

^۲ استاد مدعو گروه حقوق، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

سلمان علیپور قوشچی

S.alipoor@hotmail.fr

چکیده

مطابق اصل آزادی قراردادی، افراد می توانند روابط قراردادی خود را هرگونه که می خواهند تنظیم نمایند و مکلف نیستند از قالب های خاص استفاده نمایند. این اصل در ماده ۱۰ قانون مدنی ما نیز مطرح شده و قانونگذار ما نیز اراده طرفین را محترم شمرده است. اما، آزاد گذاشتن بیش از حد این اراده، می تواند نتایج مخربی به بار آورد که دامن یک جامعه را بگیرد. رواج قراردادهای غیراخلاقی، ضد امنیتی و ناعادلانه، یکی از این خطرات و نتایج زیان بار آن می باشد. دولت ها به همین منظور و در جهت حمایت از طرف ضعیف قرارداد، وارد عمل شده و تا حدودی که به اصل حاکمیت اراده طرفین لطمه ای وارد نشود، در یکسری از قراردادها مداخله می کنند. در این مقاله، اصل آزادی قراردادی و اهداف دولت ها از دخالت در قرارداد را مورد بحث و بررسی قرار می دهیم.

واژگان کلیدی: اصل آزادی قراردادی، مداخله ، دولت، اهداف.

مقدمه

اصل بر این است که، افراد می توانند هر قراردادی را که مخالف قانون نباشد بین خود منعقد نمایند و روابط قراردادی خود را هر آن گونه که می خواهند تنظیم نمایند و مکلف نیستند که از قالب های خاص استفاده کنند. ممکن است افراد قراردادی را مابین خود منعقد نمایند که جزو هیچ یک از عقود پیش بینی شده در قانون نباشد. بعد از انعقاد قرارداد اراده ی طرفین قرارداد باید محترم شمرده شود و قانون گذار نیز باید حتی الامکان از دخالت در قراردادهای خصوصی خودداری نماید. بی گمان اصل آزادی به لحاظ اجتماعی و اقتصادی دارای فواید بی شماری است. با این وجود اگر این اصل به صورت مطلق پذیرفته شود و از هرگونه قید و بندی آزاد باشد، می تواند نتایج مخربی را به بار آورد. قانون گذار ایران متوجه این خطر بوده است، و بر همین اساس قلمرو اصل آزادی قراردادی را محدود کرده است. و نفوذ قراردادهای خصوصی را منوط بر این کرده است که مخالف صریح قانون نباشد. در همین خصوص ماده ۱۰ ق.م.مقرر می دارد: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است.» بدین جهت قانون گذار این اصل را اندکی محدود نموده و اراده طرفین را از هر جهت آزاد نگذاشته است. بنابراین ابتدا به مفهوم اصل آزادی قراردادی می پردازیم، سپس اهداف دولت از مداخله در قراردادها را بررسی خواهیم کرد.

مبحث اول: مفهوم اصل آزادی قراردادی

اراده در لغت مصدر باب افعال از ریشه «رَوَد» به معنای خواهش، خواسته، خواستن، میل، قصد، آهنگ و کام است که از آن به گرایش و میل نفس به انجام کاری نیز معنی شده است. منظور از آزادی اراده در قراردادها، قوه ای است که عقد را پدید می آورد (انصاری و طاهری، ۱۳۸۴، ص ۱۵۴).

در خصوص آزادی قراردادی گفته شده است: «از نوع آزادی های فردی است که به موجب آن اشخاص می توانند دست به انعقاد هر گونه عقد و قرارداد بزنند.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ص ۳۰). همچنین گفته شده: «مردم آزادند قراردادهای بین خود را منعقد نمایند؛ یعنی می توانند آزادی خود را از طریق قراردادهای خصوصی و بدون دخالت دولت ابراز کنند.» (طجرلو، ۱۳۸۷، ص ۱۹۸). با توجه به تعاریفی که گفته شد، صرف نظر از تفاوت های لفظی که همگی در معنی مشترک هستند، می توان آزادی قراردادی را این گونه تعریف کرد: «داشتن حق انعقاد یا عدم انعقاد قرارداد توسط عموم افراد واجد شرایط قانونی.» (کاظم پور، ۱۳۹۲، ص ۱۳۸). قید نکته آخر (افراد واجد شرایط قانونی) به این دلیل است که آزادی در خصوص افرادی صادق است که تحقق اراده سالم و خالی از هر گونه عیب و آسیب در آن ها متصور باشد یا قانون از اراده آنان بدون واهمه از آسیب پذیری، حمایت نماید. به همین دلیل افراد فاقد اهلیت، شایستگی انعقاد قرارداد را ندارند، در واقع آن ها اراده ای ندارند تا آزادی در آن قابل تصور باشد (همان منبع). مطابق ماده ۱۰ ق.م. هر شخص می تواند با هر شخص دیگری در هر قالبی قرارداد منعقد نماید، که به اصل آزادی قراردادها معروف است. مطابق این اصل، بعد از انعقاد قرارداد، اراده ی متعاقدين باید محترم شناخته شود و مقامات عمومی حق ندارند آثار قرارداد و تعهدات طرفین را تغییر دهند. قاضی نمی تواند در قرارداد تجدیدنظر کند، یا به آن معنی دیگری که مقصود طرفین نبوده است بدهد. به طور کلی مقامات عمومی باید حتی الامکان از دخالت در این امور خودداری نمایند.

به موجب اصل آزادی قراردادی، افراد می توانند روابط قراردادی خود را بدان گونه که می خواهند تنظیم نمایند و مکلف نیستند از قالب های خاص استفاده نمایند. ممکن است افراد قراردادی ببندند که جزو هیچ یک از عقود معین پیش بینی شده نباشد. بعد از انعقاد قرارداد اراده ی طرفین قرارداد باید محترم شمرده شود و قانون گذار نیز باید حتی الامکان از دخالت در قراردادهای خصوصی خودداری نماید. فقط طرفین قرارداد می توانند با توافق یکدیگر آثار قرارداد منعقد شده را تغییر دهند یا آن را اقاله نمایند. مطابق اصل مزبور، قرارداد جز در موارد استثنایی تابع تشریفات خاصی نیست. امروزه برخلاف گذشته، قراردادها از قید تشریفات رهایی یافته اند. رضایی بودن قراردادها چهره ای از اصل آزادی قراردادی است و تشریفات بودن آن استثنایی محسوب می شود. اصل آزادی قراردادی اقتضا می کند که در تفسیر قرارداد به آنچه متعاقدين صریحاً یا ضمناً خواسته اند توجه شود. در صورتی که معلوم گردد که مقصود طرفین غیر از چیزی است که ظاهر الفاظ و عبارات اقتضاء می کند، اراده ی واقعی آنان در نظر گرفته شود و ملاک تفسیر قرارداد باشد. خلاصه آنکه اصل آزادی قراردادی ایجاب می نماید که در مراحل انعقاد، اجرا و تفسیر قرارداد اراده ی متعاقدين مد نظر گرفته شود (صفایی، ۱۳۸۳، ص ۴۸).

بنابراین با توجه به آنچه که گفته شد، طرفین قرارداد طبق اصل آزادی قراردادی، آزاد هستند هر قراردادی را که مخالف صریح قانون نباشد با یکدیگر منعقد نمایند. اما این اراده را نباید بیش از حد آزاد گذاشت چون علاوه بر این که، این اصل به لحاظ اجتماعی و اقتصادی دارای فواید بی شماری است اگر بصورت مطلق پذیرفته شود و از هر قید و بندی آزاد باشد، می تواند نتایج مخربی به بار آورد. یکی از این نتایج مخرب، که می تواند دامن یک جامعه را بگیرد، خطر رواج قراردادهای غیراخلاقی، ضد امنیتی و ناعادلانه است.

قانون گذار ایران متوجه این خطر بوده است، و بر همین اساس قلمرو اصل آزادی قراردادی را محدود کرده است. و نفوذ قراردادهای خصوصی را منوط بر این کرده است که مخالف صریح قانون نباشد. در همین خصوص ماده ۱۰ ق.م.مقرر می دارد: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است.» و همچنین در ماده ۹۷۵ ق.م. و ماده ۶ آ.د.م قراردادهای مخالف اخلاق حسنه و نظم عمومی را فاقد اعتبار دانسته است. بنابراین براساس آنچه گفته شد در مبحث بعدی اهداف دولت از دخالت در قراردادها را بیان خواهیم پرداخت.

مبحث دوم: اهداف دولت ها از مداخله در قراردادها

دخالت دولت در محدود کردن آزادی از نظر تاریخی به تغییر و تحول در نقش و وظایف دولت برمی گردد. در گذشته اصل بر این بود که کار مردم به خود آنها واگذار شود و دولت در روابط خصوصی افراد بویژه روابط اقتصادی افراد وارد نمی شد و در روابط خصوصی آنها دخالتی نمی کرد. مبنای علم حقوق نیز مبتنی بر اصالت فرد و آزادی اراده اشخاص بود. محدودیتی بر این آزادی نبود و افراد می توانستند هر گونه قراردادی را بین خود در هر قالبی منعقد نمایند و هر نوع شرطی را در تنظیم قراردادها درج کنند. در این نظام، حقوق قراردادهای از آزادی اراده و توافق طرفین حمایت می کرد. تصمیمات دادگاهها در حل اختلاف مبتنی بر اراده طرفین قرارداد بود. از اواخر قرن ۱۹ دولت نقش زیادی یافت و علاوه بر تامین نظم عمومی و حفظ حدود مرزها، خدمات عمومی زیادی را در تامین نیازهای جامعه به عهده گرفت. یکی از اثرات ورود دولت در بخش خصوصی محدود کردن اصل حاکمیت اراده در حقوق خصوصی بود. به طوری که دولت به نام حفظ حقوق عمومی، حمایت از طرف های ضعیف در قراردادها و برآوردن اهداف جامعه، رعایت برخی اصول را اجباری نمود یا بستن پیمانی را بر اشخاص تحمیل کرد و برخی اصول مسلم مانند اصل آزادی اراده در حقوق قراردادهای را محدود نمود. این اعمال و دخالت دولت در جهت برآوردن بخشی از اهداف اجتماعی و اقتصادی جامعه می باشد که می بایست توسط کارکردهای بخش خصوصی و با دخالت دولت برآورده شود. بنابراین در این گفتار اهداف دولت از مداخله در قراردادها را از منظر اقتصادی و اجتماعی بررسی می کنیم.

گفتار اول: اهداف اجتماعی

مکتب های اجتماعی و سوسیالیستی در قرن نوزدهم نظریه آزادی خواهان را مورد انتقاد شدید قرار دادند و بعضی از دانشمندان مانند دوگی نقش اراده فردی را در ایجاد حق و تکلیف به کلی نفی و جامعه را منشأ حقوق و تعهدات معرفی کردند. طرفداران نظریه اجتماعی معتقدند اراده فردی به تنهایی نمی تواند منشأ تعهد باشد، بلکه فقط جامعه دارای این اختیار است و اراده فرد واسطه ای بیش نیست؛ اراده فرد به منزله ی کلیدی است که جریان برق را که منبش جای دیگر است منتقل می کند. تجربه نشان داده است که قرارداد الزاماً عادلانه نیست، بلکه گاهی وسیله اجحاف قوی به ضعیف و فعالیت های خلاف مصالح اجتماعی است .

از جمله وظایف اجتماعی دولتها تامین نیازهای جامعه است. برخی متفکران تامین رفاه مردم و گسترش عدالت اجتماعی را از وظایف دولت بر می شمارند. دخالت دولت در تامین اجتماعی و حمایت از حقوق بیمه و بهداشت و حق استخدام افراد جامعه ازجمله وظایف دولتهاست. نمونه دیگر، حقوق کار است که در اصل، جزء رشته های حقوق خصوصی بوده و دخالت دولت آن را در زمره شعبه های حقوق عمومی در آورده است. از جمله موارد دخالت در این رشته محدود کردن اصل آزادی قراردادهای در روابط بین کارگر و کارفرما به منظور حمایت از طرف کارگر می باشد(طجر لو، ۱۳۸۷، ص ۱۹۵).

بر همین اساس، دولت در جهت حمایت از قشر کارگر نیاز به وضع قانون خاصی را در این باب احساس می کرد. ابتدا در سال ۱۳۲۵ تصویب نامه ی مقررات کار را منظم ساخت و بعد در سال ۱۳۲۸ نخستین قانون کار در ۲۱ ماده به تصویب مجلس شورای ملی رسید. از این پس چندین بار برای تجدید نظر و تکمیل مواد قانون اقدام شد تا در نهایت طرح نهایی در ۶۹ ماده در ۲۶ اسفند ماه ۱۳۳۷ به تصویب کمیسیون مشترک دو مجلس رسید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز، مدت ها سخن از تدوین قانون کاری بود که هم با موازین اسلامی مخالف نباشد و هم با نیازهای امروز سازگار باشد. بعد از تلاش های فراوان، بالاخره قانون کار در سال ۱۳۶۹ در آبان ماه به تصویب رسید. علاوه بر قانون کار، شورای عالی کار و هیأت وزیران آیین نامه های متعددی در باب حفاظت و بهداشت عمومی در کارگاهها و تهیه مسکن برای کارگران وضع کرده اند.

بر اساس این مقررات، مدت کار و حداقل دستمزد و مرخصی و تعطیلات کارگر به گونه ای امری تعیین شده، و سندیکاها و اتحادیه هایی برای کارگران و کارفرمایان با نظارت دولت پیش بینی گردیده است(کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص ۹۷-۹۸).

دخالت دولت در همه رشته ها وجود دارد و در هرکدام رویه خاص خودش را دارد مثلاً دخالت دولت در مسائل مربوط به حقوق خانواده قواعد حمایتی ویژه ای را ایجاد نموده است، از جمله رویه دولت ایجاد سمت و نقش قیمومتی دولت در مورد صغار یا مجانین است. بنابراین، محدودیت بر آزادی قراردادهای را می توان در رشته های حقوق بیمه، حقوق کار، حقوق مالک و مستاجر و حقوق مسئولیت بر تولیدات و دیگر رشته ها مشاهده کرد.

از اهداف اجتماعی دیگر دولت حفظ ارزش های انسانی آن جامعه است. از جمله این ارزش ها آزادی افراد و حق انتخاب، وحدت اجتماعی و حفظ ارزش های اخلاقی و ملی است. بنابراین هر نوع قراردادی بر خلاف این ارزش ها فاقد اعتبار می باشد و دولت مقررات لازم را برای منع این گونه قراردادها مقرر نموده است.

گفتار دوم: اهداف اقتصادی

مهمترین اهداف اقتصادی جامعه عبارتند از: کارایی اقتصادی، یعنی بتوان از منابع تولید محدود، حداکثر استفاده را کرد و سطح تولید را بالا برد. بطوری که بتوان از این منابع حداکثر رفاه را برای مردم فراهم کرد. هدف دیگر، تامین عدالت اجتماعی است. بدین معنی که تولید ملی بطور عادلانه و منصفانه بین مردم توزیع شود.

بنابراین عملکرد بخش خصوصی یا دولت برای برآوردن این اهداف، معیار و ملاکی برای ارزیابی موفقیت و یا ناکامی آنها می باشد. اگر بازار در تامین این اهداف ناکام بماند، دولت وارد عمل می شود و همچنین این اهداف، معیاری برای تعیین قلمرو دولت و بخش خصوصی هستند (طجرلو، ۱۳۸۷، ص ۱۹۵).

بخش خصوصی هر چند می تواند در یک شرایط رقابتی، برای به دست آوردن کارایی اقتصادی تلاش کند اما ممکن است انگیزه ای برای تامین دیگر اهداف اجتماعی یعنی رفاه مردم، عدالت اجتماعی و ارزشهای انسانی نداشته باشد یا حتی ممکن است رویه هایی را اتخاذ کند که به منافع عمومی لطمه وارد شود. حتی اگر بخش خصوصی هدف و انگیزه کافی را هم برای این کار داشته باشد، فاقد ابزارها و ساختارهای لازم جهت تامین این اهداف می باشد. لذا این ابزارهای حقوقی بخش خصوصی نیز نمی تواند این اهداف را تامین کند. بنابراین نظام بخش خصوصی در یک سیستم رقابتی قادر به تامین آن نیست، لذا دولت مجبور به دخالت است. از جمله نارسایی های بخش خصوصی در تحقق اهداف عمومی که از دلایل ناکارآمدی قواعد حقوق خصوصی نیز می باشد عبارت از: نابرابری اراده طرفین در قراردادها، دسترسی نابرابر به اطلاعات، انحصار و محدودیت در رقابت، آثار نامطلوب عوامل خارجی و عدم توجه به منافع عمومی می باشد.

دولت به منظور رفع نارسایی ها با استفاده از ابزارهای حمایتی دخالت می کند. مثلاً از طریق قانونگذاری با وضع مقررات حمایتی زمینه های رقابت سالم را فراهم می کند و با وضع مقررات ضد انحصار، معاملات ناشی از رانت انحصار را تعدیل می کند و با افزایش نرخ مالیات هزینه برخی خدمات را بالا می برد تا به نکته تعادل برگردد. یا برخی از طبقات کم درآمد حمایت می کند. با وضع عوارض بر عرضه برخی کالاهای خارجی یا با وضع پرداخت یارانه به برخی کالاهای تولید داخل از تولیدات داخلی حمایت می کند و با وضع مقرراتی شرکت های تولیدی را ملزم به افشای اطلاعات مربوط به کالا می کند (همان منبع، ص ۱۹۵-۱۹۶).

از جمله اهداف اقتصادی دولت، دخالت در حوزه مبادله کالا و خدمات تولید شده، است. در این حوزه آنچه محور و معیار عدالت اقتصادی است، دقت در کیفیت توزیع «توان اقتصادی» و تنظیم مکانیسم عادلانه آن است. به طوری که، روابط مبادله ای به گونه ای تنظیم گردند که هر چیزی در جایگاه واقعی خویش قرار گیرد و حقوق هر کس نیز اعطاء گردد. توان اقتصادی، شامل ثروت، قدرت خرید، درآمد و ... می باشد. در این حوزه، موضوع «قیمت عادلانه» جایگاه ویژه ای خواهد یافت؛ چرا که قیمت عادلانه می تواند معیار توازن و تحقق عدالت و ایجاد توازن میان نظام تولید و الگوی مصرف عمل نماید (زریباف و جدیدزاده، ۱۳۸۷، ص ۱۱۲).

البته، نقش اساسی را که دولت در تنظیم و کنترل بازار انجام می دهد، نقش تحمیلی و دستوری نخواهد بود، بلکه به وسیله سیاست های پولی و مالی خود می کوشد تا وضعیت قیمت های موجود را به سوی قیمت های عادلانه سوق دهد (همان منبع).

حوزه دیگر اقتصادی که لازم است چگونگی دخالت دولت در قبال آن مشخص شود، توزیع درآمد است. توزیع عادلانه درآمد و ثروت، بخش مهمی از عدالت اقتصادی کلی است که چگونگی دخالت دولت در تغییر و بهبود آن، عاملی تعیین کننده در سعادت جامعه و فرد است.

همچنین یکی دیگر از حوزه های اقتصادی که، دخالت دولت در آن نقش اساسی دارد، حوزه مصرف است. آنچه در این حوزه، عدالت اقتصادی را اقتضا می کند، توزیع عادلانه کالاها و خدمات است. تنظیم شبکه های توزیع کالا به نحوی که بتواند به طور یکسان حداقل نیازهای مصرفی آحاد جامعه را تأمین نماید و در مراتب بالاتر، سطح معیشتی و رفاه عمومی را به طور یکسان همگانی نماید، نشانه ای از عدالت اقتصادی است (سمیعی نسب، ۱۳۸۸، ص ۱۸۶).

برای تحقق عدالت در این زمینه، الگوی مصرف بسیار تعیین کننده است و مباحثی از قبیل الگوی مسکن، انرژی، تغذیه، سایر نیازها و مجموعه سیاست های اقتصادی متأثر از آن خواهد بود. از آثار مثبت الگوی مصرف کنترل تقاضاست. به هر حال لازمه عدالت تولیدی و مصرفی، ایجاد توازن میان الگوی مصرف و اولویت های تولید است و لازمه تداوم حرکت عادلانه در نظام اقتصادی برقراری ثبات و توازن است (همان منبع، ص ۱۸۷).

به هر حال، اصل اولیه، تأمین عدالت و مصالح جامعه است و بایستی در تعیین قلمرو هر یک از فرد و دولت به مصالح جامعه توجه شود و مصالح جامعه در زمان ها و مکان های مختلف ممکن است متفاوت باشد.

بنابراین دولت برای دستیابی به این اهداف با عمل قانون گذاری و با ارائه سیاست ها و برنامه های خود وظیفه تنظیمی، تثبیتی، هدایتی و عدالت خواهانه را اعمال می کند.

بحث و نتیجه گیری

اصل آزادی قراردادی به عنوان یک اصل مسلم در قوانین همه کشورها پذیرفته شده است، کشور ایران نیز از این قاعده مستثناء نیست. براساس ماده ۱۰ قانون مدنی ما، افراد می توانند آزادانه هر قراردادی را در هر قالبی که مایل باشند، با یکدیگر منعقد نمایند و کسی نمی تواند این حق را از آنها سلب کند. اما گاهی شرایط و اوضاع و احوال، باعث می شود که مقنن این اراده را تا حدودی محدود نماید. دولت ها به منظور جلوگیری از رواج قراردادهای مخالف نظم عمومی، اخلاق حسنه و جهت برقراری عدالت بین طرفین قرارداد و حمایت از طرف ضعیف قرارداد، تا حدودی که اصل حاکمیت اراده خدشه دار نگردد، در قراردادها مداخله می کنند. به عبارت دیگر، اگر اراده طرفین بیش از حد آزاد گذاشته شود و دولت بر انعقاد قراردادها نظارت نداشته باشد، ممکن است قراردادهایی منعقد گردد که مخالف نظم عمومی و اخلاق حسنه باشد یا قراردادهایی منعقد شود که یک طرف آن، بخاطر شرایط ضعف و اضطراب، مجبور به قبول هر شرط گزافی از سوی طرف قوی شده و قرارداد بر او تحمیل شده است. دخالت دولت ها برای برقراری عدالت، در همه رشته ها از جمله: حقوق بیمه، حقوق کار، حقوق مالک و مستأجر، حقوق مسئولیت بر تولیدات و سایر رشته ها وجود دارد. بنابراین مداخله دولت در قراردادها، سبب حفظ ارزش های انسانی از قبیل ارزش آزادی افراد و حق انتخاب، وحدت اجتماعی، ارزش های اخلاقی و ملی و همچنین موجب تأمین عدالت اجتماعی و کارایی اقتصادی می گردد...

منابع و مراجع

- [۱] قانون کار ایران مصوب سال ۱۳۶۹
- [۲] قانون مدنی ایران مصوب سال ۱۳۰۷
- [۳] انصاری، مسعود و طاهری، محمدعلی (۱۳۸۴). دانشنامه حقوق خصوصی، چاپ اول، تهران: محراب اندیشه، جلد اول.
- [۴] جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چاپ دوم، تهران: کتابخانه گنج دانش، جلد اول.
- [۵] زریباف، سید مهدی و جدیدزاده، علی (۱۳۸۷). دور نمای نظام عادلانه اقتصادی از منظر اسلام (مجموعه مقالات توسعه مبتنی بر عدالت)، چاپ اول، تهران: مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع)
- [۶] صفایی، سید حسین (۱۳۸۳). دور مقدماتی حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)، چاپ اول، تهران: نشر میزان، جلد دوم
- [۷] طجریلو، رضا (۱۳۸۷). برداشت تئوریک بر دخالت دولت در محدود کردن آزادی قراردادها (با رجوع به سیستم حقوقی انگلستان)، فصلنامه حقوق، دوره ۳۸، شماره سوم، پاییز
- [۸] سمیعی نسب، مصطفی (۱۳۸۸). تحلیل وظایف اقتصادی دولت در جهت تحقق عدالت اقتصادی در الگوی ایده آل اقتصاد اسلامی، مجله معرفت سیاسی، شماره ۲، پاییز و زمستان
- [۹] کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). مقدمه علم حقوق، چاپ ۳۴، تهران: شرکت سهامی انتشار
- [۱۰] کاظم پور، سید جعفر (۱۳۹۲). راهکارهای حمایت از طرف ضعیف قرارداد (مفهوم، مبانی و رویکردها)، چاپ اول، تهران: انتشارات فکرسازان